سرخط

ایرنا: علی مطهری عملکرد دولت در جنگ ۴۰ روزه را بسیار خوب خواند و با بیان اینکه این جنگ قابلیت‌ها و توانمندی‌های ایران را به دنیا نشان داد، گفت: اختلاف دیدگاه نباید موجب خدشه در وحدت و انسجام ملی و مجادله‌های بی‌ثمر شود. همه مردم و فعالان سیاسی با حسن‌نیت نگران منافع و آینده کشور هستند. مطهری در پاسخ به چرایی این موضوع که نباید منافع ملی را فدای مصالح حزبی، جناحی و زودگذر کرد، خاطرنشان کرد: همه ما باید در پی تحقق اهداف ملی و حفظ منافع کشور باشیم و اجازه ندهیم رقابت‌های سیاسی در این موضوع دخالت داشته باشد.

ایسنا: معاون اول رئیس جمهوری با اشاره به همکاری مردم و دولت در بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده در تجاوز نظامی امریکا و رژیم صهیونیستی تأکید کرد: ملت و دولت کنار هم، ایران را باشکوه‌تر از قبل خواهند ساخت. محمدرضا عارف در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «دشمن پل‌ها را زد، اما غافل بود که مردم ایران، شکستگی‌ها را بند می‌زنند. حالا برای سازندگی، مصالح‌فروش شهر با نذر سیمان آمده و روستایی با آرماتوربندی رایگان. این فراتر از بازسازی بتن و فولاد، ایستادن ملت و دولت کنار هم است. با این روحیه، ایران را باشکوه‌تر از قبل خواهیم ساخت.»

یادداشت

حمزه عالمی چراغعلی*

فقدان افق در نظام معرفتی غرب

اگر موضع‌گیری جان مرشایمر –نظریه‌پرداز امریکایی- علیه حمله نظامی امریکا و رژیم صهیونیستی به ایران را برخاسته از نگرانی او نسبت به شکاف میان امریکا و اروپا بدانیم، نزد فلاسفه معاصر غرب این موضوع ریشه در اتفاقی بنیادین دارد و آن فقدان افق، فروپاشی اخلاقی و در نهایت محوریت یافتن خشونت تمام عیار در نظام معرفتی غرب است. در این زمینه نکات ذیل قابل بیان است:

۱- دولت‌های غربی پس از جنگ جهانی دوم مدعی شدند که نظام معرفتی مدرنی را برای نظم بخشیدن به دنیا پی افکنده‌اند که بر قواعدی همچون حقوق بشر جهانشمول و ساختارهای بین‌المللی ابتنا یافته و می‌تواند دنیا را به سوی صلح و رفاه پیش ببرد. واضح است که این قواعد و ساختارها در طول تاریخ نادیده انگاشته شد یا توجیه‌گر سلطه‌گری قدرت‌های غربی بودند، اما دست‌کم در مقام نظری، متفکران غرب با همین قواعد افقی معنادار برای خود ترسیم می‌کردند. حمله نامشروع امریکا و رژیم صهیونیستی به ایران و به ویژه ارتکاب جنایات جنگی بی‌سابقه آن هم بعد از جنایات دو ساله رژیم صهیونیستی در غزه-، طیف گسترده‌ای از متفکران غرب، از حقوقدانان، متخصصان روابط بین‌الملل، کارشناسان سیاسی و اندیشمندان فلسفه و علوم سیاسی را به واکنش سختی در مقابل دولت امریکا وا داشته است.

این واکنش‌ها چیزی فراتر از محاسبه هزینه‌ها و ردیف کردن شکست‌های امریکاست، بلکه گویای این است که قواعد و سازمان‌هایی که متفکران غربی با آنها آینده‌ای معنادار را در ذهن داشتند، در مقابل نسل کشی غزه سکوت کرده و هیچ تأثیری در جلوگیری از تجاوز نامشروع امریکا به ایران نداشته‌است.

۲- این وضعیت عینیت یافتن بحران معرفت شناختی است که سالیان قبل متفکرانی مانند سؤالد اشپنگلر، چارلز تیلور، السدیر مک اینتایر، یورگن هابرماس، اسلاوی ژیژک و جان نیکولاس گری آن را هشدار داده و سرانجامش را فروپاشی اخلاقی غرب می‌دانستند.

اشپنگلر به عنوان یکی از متقدمین این دیدگاه، فرهنگ غرب را دارای ویژگی‌هایی همچون: میل به توسعه بی‌پایان، فردگرایی، عقلانیت ابزاری و روح تسخیرگر می‌دانست که تحت‌الشعاع «شهوت قدرت و مالکیت» قرار دارد و نابودی تمدن غرب را به ارمغان خواهد آورد. هابرماس نیز از دست رفتن اعتبار اخلاقی غرب را نه یک استثنا، بلکه یک قاعده می‌داند.

در این میان چارلز تیلور تفسیر فلسفی عمیق‌تری ارائه می‌کند. به اعتقاد او در غرب معاصر معانی مشترک و بین‌الاذهانی از بین رفته، نوعی خلأ معنایی شکل گرفته و فرد در خلأ تصمیم می‌گیرد. در این وضعیت ارزش تصمیمات در نسبت با دیگر چیزها محاسبه می‌شود و چارچوب مرجعی برای تشخیص درستی از نادرستی وجود ندارد. نتیجه این وضعیت بحران هویت و سرگشتگی است و مخصوصاً انسان غربی فاقد افق و آینده‌ای معنادار تصور می‌شود.

این دیدگاه از سوی مک اینتایر پشتیبانی می‌شود. به اعتقاد او غرب دچار لُکنت اخلاقی شده و واژگانی اخلاقی مشترکی را که بتواند با آنها درباره خوب و بد بحث کند، از دست داده‌است.

تأکید بر افول اخلاقی غرب و محو شدن افق معنایی مشترک، بار دیگر و بعد از حمله نامشروع امریکا به ایران به صدر آمده و برخی از همین متفکران از این منظر علیه امریکا موضع گرفته‌اند. جان گری این حمله را یک «خطای راهبردی» و «رژه حماقت» توصیف کرد؛ اسلاوی ژیژک، ترامپ را چهره‌عریان زوال نظم فعلی دانست که با وقاحت و ابتذال سخن می‌گوید، در حالی که طرفدارانش به او مقامی شبه مقدس داده‌اند و این ترکیب از نظر ژیژک نشانه‌فروپاشی اخلاقی لیبرال‌دموکراسی است.

۳- این فروپاشی اخلاقی برخاسته از همان فقدان افق است که تیلور می‌گوید. فقدان افق به معنای فقدان امیدواری به آینده‌ای معنادار است. در غرب جدید اندیشیدن به غایت به معنای کلاسیک آن کنار گذاشته شده و البته همین خود عامل اصلی بحران‌هاست، ولی در مجموع مدرنیته و دستاوردهای صنعتی، تکنولوژیکی و اقتصادی هر چند بر شانه‌های استعمار استوار شد، ولی از منظر اندیشمندان غرب، نوید رسیدن به جامعه‌ای عادلانه، صلح پایدار، پیشرفت علمی و اخلاقی را سر می‌داد و این نوید و امیدواری نوعی فهم مشترک ایجاد، و به برساختن پارادایم مدرنیزاسیون (نوسازی)، به معنای مسیر پیشرفتی خطی که فقط با الگو گرفتن از غرب امکان‌پذیر است کمک می‌کرد. این سخن به معنای دفاع از این مسیر نیست، اما همه بحث بر سر این است که متفکران غرب با همین فهم و معانی مشترک، افقی معنادار برای خود ترسیم می‌کردند که آنها را در مسیر نظریه‌پردازی برای تمامی دنیا انگیزه می‌داد و امیدوار می‌ساخت و این وضعیت اکنون فروپاشیده است.

۴- با فروپاشی فقدان افق و آینده‌ای معنادار چه چیزی جای آن را می‌گیرد؟ پاسخ یک کلمه است: خشونت؛ وقتی آینده‌ای قانع‌کننده که فرد را تسکین دهد از زندگی او مفقود شود، فرد به واکنش‌های کوتاه‌مدت و اضطراری روی می‌آورد و انتظار نتایج زودهنگام داشته، اما بسیاری محدودیت‌های او را مانع می‌شوند و فرد تنها به خشونت پناه می‌برد. وقتی این نگرش بر صدر سیاست یک دولت بنشیند، اوضاع وحشتناک می‌شود و در مجموع به حملات کور و به شدت خشونت‌آمیز و تروریستی منتهی می‌شود و این واقعیتی است که در نوع حمله امریکا و رژیم صهیونیستی به ایران شاهد هستیم.

این موضوع وقتی با حماقت ترامپ درمی آمیزد، چشم انداز وخیم‌تری را برای امریکایی‌ها ترسیم می‌کند. توصیف ترامپ و اقدامش علیه ایران، با واژه «احمق و حماقت»، این روزها به سکه رایجی میان کارشناسان و متفکران امریکایی تبدیل شده‌است. هیلاری کلینتون وزیر خارجه اسبق امریکا راشل ریوز وزیر خزانه‌داری انگلیس، جفری ساکس اقتصاددان امریکایی، کیت اولبرمن مجری شبکه ام‌اس‌ان‌بی‌سی، اون جونز نویسنده انگلیسی و چاک شومر رهبر اقلیت مجلس سنای امریکا از جمله کسانی هستند که ترامپ را با واژه احمق و مفاهیمی نظیر آن توصیف کرده‌اند. به این ترتیب فقدان افق به ترکیب خشونت و حماقت انجامیده و این وضعیت همچون بومرنگی است که آثارش به خود جوامع غرب باز خواهد گشت.

* استادیار علوم سیاسی

سه گانه سپاه برای مقابله با دشمنان خارجی و داخلی

تحلیل

فاطمه بصیری

حسین ظهره‌وند | تسنیم

یکی از وجوه سابقه‌دار و کم‌وزن جنگ علیه ایران که به موازات جنگ مستقیم جبهه امریکا و رژیم صهیونیستی هم جریان دارد، فعالیت‌های گروهک‌های تروریستی در داخل و در جوار مرزها است.

بی‌ثباتی و ناامنی و در نتیجه اقدامات تروریستی و کشتار مردم یکی از اهدافی است که در یک‌سال اخیر از سوی این گروهک‌ها با شدت عمل دنبال شده تا زمینه پروژه جنگ داخلی با هدف تجزیه و فروپاشی کشور فراهم شود، اما اقدامات سازنده و مؤثر دستگاه‌های امنیتی ایران مانع شکل‌گیری نیات شوم آنها در عرصه میدانی شده‌است. از این رو می‌توان گفت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اکنون در سه جبهه مقابله با امریکا و رژیم صهیونیستی، گروهک‌ها و عوامل داخلی آن‌ها درگیر است.

در دوران جنگ رمضان و پس از آن، نهادهای اطلاعاتی و امنیتی کشور با دقت تمام تحرکات این گروهک‌ها را زیر نظر دارند و به طور گسترده فتنه‌های چند منظوره آنها را مهار می‌کنند. در این بین سپاه پاسداران همزمان با مدیریت جنگ مستقیم با امریکا و متحدانش، هم مواضع و پایگاه‌های تروریست‌ها در مرزها را هدف قرار می‌دهد و هم با اقدامات اطلاعاتی هسته‌های داخلی آنها را کشف و مهار می‌کند.

■ انهدام و شناسایی تیم تروریستی در غرب کشور

طبق اطلاعیه‌های رسمی منتشر شده از سازمان اطلاعات سپاه در هفته‌های اخیر، موضوع «انهدام تیم‌های وابسته به گروهک‌های ضدانقلاب» یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های داخلی اطلاعاتی سپاه برای خنثی‌سازی فتنه‌ها و پیشگیری از یک جنگ میدانی با طراحی دشمن بوده‌است. در آخرین اقدام، سازمان اطلاعات سپاه اعلام کرد که طی سلسله اقدامات صورت گرفته در استان‌های کردستان و کرمانشاه، چند تیم وابسته به گروهک‌های ضدانقلاب که تحت حمایت امریکا و رژیم‌صهیونیستی بوده و به دنبال آماده‌سازی مقدمات حمله نظامی دشمن از غرب کشور بودند، شناسایی و منهدم شدند. طبق این اطلاعیه، سازمان اطلاعات سپاه استان کردستان طی اقدامات پیچیده اطلاعاتی به نتایج ذیل رسید: ۱) انهدام چند هسته تشکیلاتی از گروهک‌های تجزیه‌طلب کردی و دستگیری ۱۱ نفر و معدوم شدن یک نفر و کشف هشت قبضه سلاح جنگی آرپی‌جی و بیش از ۲ هزار مورد از مهمات مربوطه ۲) کشف و ضربه اطلاعاتی به مقر یکی از گروهک‌های تروریستی حوزه اقلیم و کشف ۹۰ عدد چاشنی بمب، ۱۸ عدد نارنجک، پنج گلوله خمپاره، هزار و ۲۵۳ عدد فشنگ انواع سلاح‌ها، شش عدد نارنجک تفنگی و وسایل ارتباطی رادیویی، ۳) دستگیری تعداد ۷۳ نفر از عناصر وابسته به گروهک‌های ضدانقلاب فعال در عرصه داخلی، ۴) انهدام تیم قاچاق و کشف تعداد ۱۰ قبضه سلاح کلاش، ۲ هزار و ۲۵۰ فشنگ جنگی، دو قبضه سلاح شکاری، هشت قبضه آرپی‌جی، ۹۰ عدد چاشنی انفجاری و چندین دستگاه اینترنت ماهواره‌ای.

همچنین، سازمان اطلاعات سپاه استان کرمانشاه در اقدامات پنهان خود تعداد ۱۵۵ نفر از عوامل گروهک‌های ضدانقلاب را به شرح ذیل شناسایی و دستگیر نمود: ۱) دستگیری ۱۴۴ نفر در قالب چندین تیم به جرم خرید و فروش سلاح غیر مجاز و کشف ۱۷ قبضه سلاح و هزار و ۲۰۰ فشنگ.

۲) دستگیری چهار جاسوس مرتبط با موساد و کشف مقادیر قابل توجهی سلاح، ساچمه، باروت، چاشنی، تجهیزات و دستگاه‌های مورد استفاده در ساخت فشنگ ساچمه‌ای. به گفته سازمان اطلاعات سپاه این افراد در قبال اقدامات خود مورد تشویق موساد قرار گرفته بودند.

۳) شناسایی و دستگیری هفت نفر از عناصر تجزیه‌طلب فعال در ساخت بمب دست‌ساز و خرید سلاح غیرمجاز با هدف حمله به اماکن دولتی و نظامی».

علاوه بر فعالیت‌های اطلاعاتی داخلی، سپاه از همان ابتدای جنگ رمضان به طور مبتکرانه‌ای طرح حمله به مقرهای تروریست‌های غرب کشور را در کنار جنگ منطقه‌ای اجرایی کرد. این حملات حتی در دوران کنونی آتش بس نیز جریان دارد تا نقشه دشمنان برای ورود تروریست‌های مسلح و ایجاد جنگی تروریستی در داخل خنثی شود. به عنوان نمونه طی چند روز گذشته، نیروی زمینی سپاه پاسداران طی سلسله عملیات هایی در منطقه جیژنکان و بالیسان در اقلیم کردستان، محل اختفای اشرار گروهک تروریستی دموکرات را شناسایی و با اصابت دقیق پهپادهای انتحاری هدف قرار داد که در جریان آن، سه نفر از این اشرار کشته و پنج نفر دیگر به شدت زخمی شدند.

■ بازندگان همیشگی

گروهک‌های وابسته و مزدوری چون سلطنت‌طلبان، منافقان، تجزیه‌طلبان و تکفیری‌ها سال‌هاست به اشکال مختلف و در برهه‌های زمانی ظهور کرده و هر بار با شکست کامل میدانی و سیاسی صحنه را ترک می‌کنند. آنها که اهداف متنوع امریکا از ایجاد ناامنی تا فروپاشی و تجزیه کشور را تأمین می‌کنند، در یکسال اخیر -از جنگ ۱۲ روزه، شبه کودتای دی ماه، جنگ رمضان و دوران کنونی آتش‌بس- به عنوان مکمل و ذخیره در نظر گرفته شدند تا بعد از رسیدن شرایط داخلی و یا جنگ به نقطه مطلوب امریکا، جنگ تروریستی داخلی را همزمان با جنگ خارجی کلید بزنند. حوادث دیماه گذشته در واقع مقدمه‌سازی دشمن برای حمله ۹ اسفند بود. آنها در حوادث دیماه کوشیدند با تدارک یک فتنه و سپس گسیل گروهک‌های ضد انقلاب به درون کشور ناامنی و ناآرامی در داخل کشور را استارت بزنند و سپس در حمله نهایی نظام را دچار فروپاشی و تجزیه کنند.

در حال حاضر نیز، امریکا تلاش می‌کند که جنگ را از مسیر جنگ مستقیم خارج کند و به سمت آشوب و با به تعبیری جنگ داخلی کم هزینه سوق دهد تا با فرسایش داخلی در کنار بی‌ثباتی‌های ممتد، زمینه فروپاشی داخلی را فراهم کند. پس از جنگ، رویترز، گزارش داد که ترامپ در حال بررسی حمله به ایران است و هشدار داد که این اقدام می‌تواند ایران را با شکاف‌های فرقه‌ای به سمت جنگ داخلی سوق دهد.

اما این خام‌اندیش‌ها با هوشیاری نیروهای امنیتی و انتظامی و تهاجم موشکی سپاه به مواضع گروهک‌ها در اقلیم کردستان عراق سرکوب شده‌است. تحرکات اخیر گروهک‌ها هم که اکنون با اشراف اطلاعاتی سربازان گمنام امام‌زمان در هم کوبیده شد، ادامه همان اقدامات دشمن است. آنها که فهمیده‌اند در میدان و خیابان حریف مردم و نیروهای نظامی و انتظامی نشده‌اند، اکنون با اقدامات ایذایی دنبال ناامن‌سازی داخلی هستند، اما این نیات شوم از همان ابتدای ظهور به دلایل مختلفی با شکست مواجه شدند. در ابتدا انسجام ملی و وحدت جامعه چون سدی همواره در مقابل توطئه‌های آنها قرار گرفته و نگذاشته راه به جایی ببرند. رهبر معظم و شهید انقلاب بعد از آشوب دی ماه تأکید کردند که مردم ایران با وحدت خود فتنه را شکست دادند. دومین علت ناکامی تروریست‌های مسلح به عملکرد موفقیت‌آمیز نهادهای امنیتی و مهار هسته‌های این گروهک‌ها بر می‌گردد که پیشتر شرح داده شد. ضعف ساختاری این گروهک‌های دون‌مایه دلیل دیگری بر ناتوانی آنها است. نتایج به دست‌آمده حاکی از آن است که آنان به رغم پیروی کورکورانه از دیکته‌های امریکا، از یک‌سو فاقد انسجام تشکیلاتی لازم برای پیاده‌سازی اهداف دشمن هستند و از سوی دیگر، از حداقل راهبرد و طرح عملیاتی مشخص نیز بی‌بهره‌اند.

خبر

شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی:

حادثه طبس، نماد فروپاشی دستگاه محاسباتی نظام سلطه بود

حادثه طبس نماد فروپاشی دستگاه محاسباتی نظام سلطه است. هر گونه طراحی مبتنی بر زورگویی و مداخله در برابر ملتی که بر پایه ایمان به خدا، تبعیت از ولی خدا، وحدت کلمه و خودباوری ملی ایستاده‌است، محکوم به شکست است.

به گزارش ایرنا در بیانیه شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی به مناسبت پنجم اردیبهشت، سالروز شکست مفتضحانه و عبرت‌آموز ایالات متحده امریکا در طبس آمده‌است: امسال و در شرایطی که سلسله شکست‌های امریکا در مقابل ملت ایران، در مقابل چشم جهانیان جلوه‌گر است، پاسداشت و بزرگداشت یاد ماجرای مهم طبس، بیش از گذشته اهمیت راهبردی دارد. در ادامه بیانیه آمده‌است: امروز، در شرایطی که مواجهه جمهوری اسلامی ایران با نظام سلطه و امریکای سفاک وارد مراحل پیچیده‌تر و ابعاد چندلایه‌تر شده‌است، بازخوانی و بازاندیشی پیرامون این رخداد تاریخی اهمیت مضاعف می‌یابد. تجربه طبس نشان داد که هر گونه طراحی مبتنی بر فشار، زورگویی، تهدید و مداخله، در برابر ملتی که بر پایه ایمان به خدا، تبعیت از ولی خدا، وحدت کلمه و خودباوری ملی ایستاده است، محکوم به شکست است. این واقعیت، قاعده راهبردی در معادلات جاری منطقه‌ای و بین‌المللی است و در جنگ ۴۰ روزه اخیر نیز ماجرای طبس در اصفهان به زیبایی تکرار شد تا مشخص شود شکست امریکا در طبس یک اتفاق نبوده بلکه رویدادی تکرارشونده مبتنی بر نصرت الهی است. شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی افزود: تحولات جاری به روشنی گواه آن است که هر چند رویکردهای خصمانه امریکا، از تغییر شکل مداخلات سخت به ترکیبی از فشارهای اقتصادی، نبرد نظامی، ترور، جنگ شناختی و عملیات روانی تغییر یافته، اما ماهیت آن همچنان مبتنی بر تضعیف استقلال ملت ایران و مهار قدرت جمهوری اسلامی ایران است. در چنین فضایی، هر گونه خطای محاسباتی در تحلیل رفتار طرف مقابل یا اتکا به وعده‌های غیرقابل اعتماد وی، می‌تواند هزینه‌ساز و پرمخاطره باشد. تجربه‌های گذشته، به ویژه در حوزه تعاملات سیاسی و توافقات بین‌المللی، نشان داده‌است که راهبرد صحیح، نه در اعتماد به دشمن، بلکه در تقویت بنیان‌های قدرت ملی و افزایش تاب‌آوری داخلی و شکل دهی به مؤلفه‌های ایران قوی و پیشرفته نهفته است. شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی تأکید کرد: مسیر عزت و پیشرفت ملت ایران، در تداوم همان راه معنوی و قرآنی و نورانی است که در طبس به ثمر نشست و جواب داد؛ مسیری مبتنی بر ایمان عمیق و مقاومت فعال و هوشمندانه و پرهیز از هر گونه وابستگی به قدرت‌های سلطه‌گر. بی‌تردید، آینده این ملت در پرتو همین اصول، آینده‌ای مقتدر، مستقل و الهام‌بخش برای سایر ملت‌های آزادی‌خواه جهان خواهد بود.

قضایی

قداره‌کش اجاره‌ای موساد به دار آویخته شد

محکومیت ۱۵ نفر از عوامل دشمن به حبس

یکی از عناصر اصلی دشمن در اغتشاشات دی‌ماه ۱۴۰۴ در اصفهان که با مأموریت موساد اقدام به تخریب و تحریق اموال عمومی و خصوصی، ایجاد رعب و وحشت در سطح شهر و قداره‌کشی کرده‌بود، پس از تأیید حکم دادگاه از سوی دیوان عالی کشور و طی روال قانونی، بامداد امروز به دار مجازات آویخته شد.

به گزارش خبرگزاری میزان، عرفان کیانی از عناصر اصلی دشمن در اغتشاشات دی‌ماه ۱۴۰۴ در اصفهان که با مأموریت موساد اقدام به تخریب و تحریق اموال عمومی و خصوصی، ایجاد رعب و وحشت در سطح شهر و قداره‌کشی کرده‌بود، پس از تأیید حکم دادگاه از سوی دیوان عالی کشور و طی روال قانونی، بامداد امروز به دار مجازات آویخته شد. تخریب اموال عمومی و خصوصی، ایجاد آتش‌سوزی، حمل و استفاده از کوکتل مولوتف، حمل سلاح سرد (قداره)، مسدود کردن مسیر خودروها، حمله به مأموران و ایجاد رعب و وحشت در میان شهروندان، از جمله مهم‌ترین اقدامات مجرمانه محکوم‌علیه است که در پرونده به آنها اشاره شده‌است.

براساس گزارش‌های مستند ضابطان، عرفان کیانی لیدری گروهی از عوامل دشمن در اصفهان را برعهده داشت که اقدامات آنان منجر به تخریب گسترده اموال عمومی، ایجاد حریق، حمله به مأموران نیروی انتظامی و مسدودسازی دو طرف خیابان شد. نامبرده در حالی که حین عملیات در میانه خیابان قداره بزرگی در دست داشته، توسط مأموران دستگیر شده‌است. براساس مفاد پرونده، عرفان کیانی به همراه چند نفر دیگر که لیدری آنها را برعهده داشت، در ۱۸ دی‌ماه حوالی ساعت ۲۰ در چهارراه پیروزی، همزمان با شکل‌گیری تجمع، اقدام به تخریب اموال عمومی کرده و با حمل تخته چوب و لاستیک از پیش تهیه شده، زمینه ایجاد آتش در خیابان را فراهم کرده‌است. نامبرده ضمن پرتاب سنگ و کوکتل مولوتف به سمت مأموران، در تخریب یکی از بانک‌های منطقه نیز نقش داشته‌است. محکوم‌علیه به همراه یکی از همدستان خود اقدام به تهیه ۱۰ عدد کوکتل مولوتف کرده و از قداره به‌منظور ایجاد رعب و وحشت در میان شهروندان استفاده کرده‌است. وی اعتراف کرده‌است که به همراه دوستانش با آتش‌زدن وسایل عمومی و خصوصی در محدوده خیابان جی نقش داشته‌است. تخریب چراغ‌های راهنمایی و رانندگی، آتش‌زدن لاستیک در وسط خیابان، پرتاب سنگ به سمت مأموران، کندن تابلوهای شهری، تخریب کیوسک تلفن عمومی و ایجاد سد در مسیر خودروها با استفاده از قداره، از دیگر اقدامات مجرمانه نامبرده بوده‌است.

براساس گزارش مراجع انتظامی و اطلاعاتی، محکوم‌علیه در صحنه‌های اغتشاشات حضور پررنگی داشته و ضمن حمله به مأموران نیروی انتظامی، دیگران را به انجام اقدامات مجرمانه ضد امنیت کشور و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم تشویق کرده و نقش مؤثری در ایجاد ناامنی و اختلال در نظم عمومی ایفا کرده‌است. پس از دستگیری و تشکیل پرونده قضایی، با صدور کیفرخواست، جلسات رسیدگی به اتهامات عرفان کیانی با حضور وکیل وی در دادگاه انقلاب اصفهان برگزار شد و اتهامات نامبرده مورد بررسی قرار گرفت.

در نهایت عرفان کیانی به اتهام محاربه از طریق کشیدن سلاح از نوع قداره به جهت ارعاب و اخافه مردم و قدرت‌نمایی، مسدود کردن خیابان‌ها، اغوا و تحریک مردم به جنگ و کشتار به مجازات اعدام محکوم شد. با فرجام‌خواهی متهم، پرونده جهت بررسی به دیوان عالی کشور ارسال شد. براساس رأی صادره از سوی دیوان عالی کشور، با توجه به گزارش‌ها و تحقیقات ضابطان، مستندات موجود در پرونده، بازسازی صحنه جرم، اظهارات و اعترافات متهم و همدستان وی و سایر شواهد موجود، حکم دادگاه مورد تأیید قرار گرفت. حکم صادره پس از طی تشریفات قانونی و تأیید در دیوان عالی کشور، بامداد دیروز اجرا و محکوم‌علیه عرفان کیانی به دار مجازات آویخته شد. همچنین در راستای برخورد با همکاران دشمن صهیونی-امریکایی، پرونده‌های تعدادی دیگر از متهمان در اصفهان منجر به صدور رأی شده‌است. تاکنون پرونده ۱۵ نفر از عوامل همکار دشمن در اصفهان پس از تکمیل فرایند رسیدگی منجر به صدور حکم شده‌است که محکومان این پرونده‌ها به حبس محکوم شده‌اند.

یادداشت

داود گودرزی

دو روی سکه اقتدار
پیوند «امنیت ملی» و «معیشت عمومی»

در جغرافیای سیاسی امروز، مفهوم «قدرت» از تعاریف تک‌بعدی نظامی فراتر رفته‌است. اگرچه قدرت سخت و توان بازدارندگی، زره نفوذناپذیر یک ملت در برابر تهاجم بیگانگان است، اما زیر این زره پولادین، قلبی به نام «اقتصاد» می‌تپد. سیاستمداران و حکمرانان باید بدانند که امنیت و معیشت، نه دو مقوله مجزا، که دو بال یک پرنده‌اند؛ پروازی مقتدرانه در تلاطم جنگ‌های نوین، تنها زمانی میسر است که هر دو بال، قدرتمند و هماهنگ حرکت کنند.

امنیت ملی پایدار، ریشه در «ثبات اجتماعی» دارد. هنگامی که یک کشور درگیر نبردی تحمیلی یا تنش‌های مرزی می‌شود، نخستین هدف اتاق‌های فکر دشمن، نه انهدام پایگاه‌های نظامی، بلکه فروپاشی «تاب‌آوری اجتماعی» است. دشمن تلاش می‌کند با ایجاد تنگناهای معیشتی، میان «میدان» و «خانه» فاصله بیندازد. در چنین شرایطی، هر حرکت هوشمندانه در مدیریت بازار و کنترل تورم، به مثابه یک عملیات موفق پدافندی است. کانتینرهای کالا که در شریان‌های تجاری کشور در حرکت‌اند، در واقع خشاب‌های پر شده یک سلاح استراتژیک هستند؛ اگر این شریان‌ها به دلیل سوءمدیریت یا فساد داخلی کند شوند، خاکریزهای روانی مردم پیش از خاکریزهای نظامی آسیب خواهند دید.

از منظر روان‌شناسی توده‌ها، نگریستن به افق‌های بلند پیروزی، نیازمند بستری از آرامش جاری در زندگی روزمره است. ملتی که در برابر استکبار جهانی سینه سپر کرده، شایسته آن است که در نبرد روزانه برای تأمین معاش، تنها نماند. سیاستمدار صادق کسی است که درک کند «ایمان» و «امید»، در بستر «امان» رشد می‌کنند. پدری که با خیالی آسوده از ثبات قیمت‌ها به خانه بازمی‌گردد، با عزمی راسخ‌تر فرزندش را برای پاسداری از آرمان‌ها تربیت می‌کند. نباید اجازه داد «اضطراب معیشت»، جایگزین «حماسه ایستادگی» شود. پیوند میان حاکمیت و مردم، از مسیر کارآمدی در مدیریت نان و رفاه می‌گذرد.

اگر قدرت نظامی را به شمشیری آخته در دست دلاوران تشبیه کنیم، اقتصاد و معیشت همانند خونی است که باید در بازوان این دلاوران جاری باشد. شمشیر بدون بازوی تنومند، تنها قطعه‌ای فلز سرد است و بازوی بدون خون، نشانی از حیات ندارد. سیاستمداران باید به یاد داشته باشند که عطر گندمزارهای وطن، مکمل بوی باروت غیرت است. نباید بگذارد غبار گرانی و لایه‌های چرک رانت‌خواری، آیینه صاف فتوحات ملی را تیره کند. شکوه یک دولت مقتدر، در آن است که همزمان با رصد رادارهای دشمن در مرز، نبض قیمت‌ها را در دورترین روستاهای کشور با وسواس یک دیده‌بان کنترل کند.

امروز، مدیریت معیشت، نه یک وظیفه اداری، بلکه یک «ضرورت جنگی» است. هر مدیری که با تصمیمات غلط، بر سفره آحاد ملت فشار وارد کند، دانسته یا نادانسته، در جبهه دشمن بازی کرده‌است. مطالبه جدی از دولتمردان این است؛ همان‌گونه که در عرصه نظامی، لایه‌های دفاعی چندگانه برای صیانت از آسمان ایران ایجاد شده، باید «لایه‌های پدافند اقتصادی» نیز برای محافظت از قدرت خرید مردم ایجاد شود. اقتدار واقعی، آنجاست که دشمن با دیدن انسجام میان دولت و ملت، از طمع خود دست بشوید. بیاییم با پیوند زدن «عدالت در توزیع» به «شجاعت در دفاع»، ایرانی بسازیم که در آن، نه صاعقه جنگ و نه تندباد تحریم، نتواند لرزه بر ستون آرامش خانه‌های این مرز و بوم بیندازد.

گزیده خبر

وزارت اطلاعات خبرداد

دستگیری جاسوس سابقه‌دار رژیم صهیونیستی

با مجاهدت‌های شبانه‌روزی و خاموش سربازان گمنام امام‌زمان(عج) و با بهره‌گیری از گزارش‌های مردمی، یک جاسوس پرسابقه رژیم صهیونیستی و ۱۵ تن از عوامل گروهک‌های مزدور و گردانندگان به دشمن جنایتکار در پنج استان کشور شناسایی و دستگیر شدند.

به گزارش ایرنا، در اطلاعیه وزارت اطلاعات آمده‌است: یک جاسوس رژیم صهیونیستی به‌نام «امید-آ» توسط سربازان گمنام امام‌زمان(عج) در اداره کل اطلاعات استان ایلام دستگیر شد، این عنصر وطن‌فروش در مدت همکاری با سازمان جاسوسی موساد، اطلاعات مورد نیاز آن سازمان را جمع‌آوری و ارسال می‌کرد و نهایتاً بنا به دستور افسر اطلاعاتی رژیم صهیونی، به همکاری با گروهک‌های سلطنت‌طلب پرداخته و پروژه‌های مشترکی با مزدوران آنها اجرا کرده‌است.

در بخشی از این اطلاعیه اعلام شده‌است: در استان سیستان و بلوچستان عضو عملیاتی یک گروهک تروریستی تجزیه‌طلب به نام «داود-ش» که پس از طی دوره‌های آموزشی گروهک در یکی از کشورهای همسایه، وارد کشور شده و در یکی از مناطق اطراف زاهدان مترصد انجام عملیات تروریستی بود، شناسایی و دستگیر شد.

این اطلاعیه می‌افزاید: اعضای هسته سه نفره یک گروهک تروریستی در استان گیلان به سرتیمی فردی به نام «مهیار-س» شناسایی و به همراه یک‌دستگاه خمپاره‌انداز دست‌ساز در مخفیگاه‌شان دستگیر شدند.

بر اساس اطلاعیه وزارت اطلاعات، در استان لرستان هسته‌متشکل از دو مرد و یک زن شناسایی و دستگیر شدند. اعضای این هسته‌تروریستی، با دریافت مبالغی (به صورت رمز ارز) از سرپل گروهک و ساخت تعدادی بمب دست‌ساز و شناسایی اماکن هدف، قصد حمله تروریستی به دو فرمانداری استان در روزهای پایانی فروردین ماه را داشتند که پیش از اقدام تروریستی دستگیر شدند. این اطلاعیه آورده‌است: ۹ نفر از مزدوران وابسته به گروهک‌های تروریستی تجزیه‌طلب در استان آذربایجان‌غربی که مترصد اقدام تروریستی در راستای نقشه دشمن امریکایی-صهیونی بودند، توسط سربازان گمنام امام زمان(عج) در آن استان شناسایی و بازداشت شدند.

در بخش پایانی اطلاعیه وزارت اطلاعات آمده‌است: با تأکید بر این واقعیت که توقف عملیات نظامی دشمن امریکایی-صهیونی، نه‌تنها به منزله توقف عملیات تروریستی و جاسوسی نیست، بلکه قطعاً همراه با تمرکز بیشتر و افزایش این نوع عملیات شیطانی می‌باشد، بنابراین بیش از گذشته از مردم هوشیار و همیشه در صحنه تقاضا می‌شود موارد مشکوک را به ستاد خبری وزارت اطلاعات (شماره ۱۱۳) یا در گاه‌های رسمی ستاد خبری این وزارتخانه در پیام‌رسان‌های ایتا، بله، روبیکا و سروش پلاس به آدرس vaja۱۱۳@ (با تیک آبی) گزارش کنند.